



معلم باید در تولید، مشارکت داشته باشد؛ نه فقط آموزش دهنده‌ی مطالبی باشد که از پیش برای او طراحی و برنامه‌ریزی شده است.



فرازهایی از بیانات مدیران ستادی و استانی در نشست

نقد و بررسی نشریات آموزشی - ۳۰ آبان ۱۳۸۴

فاطمه حدادی

اشاره

در گردهمایی مدیران ستادی و استانی که در ۳۰ آبان سال جاری در سالن اجتماعات سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی برگزار شد، مدیران ستادی از داشته‌ها گفتند و آنچه که تاکنون سازمان در راستای تأمین منابع مکتوب مورد نیاز دانش‌آموزان و معلمان به انجام رسانده است، و مدیران استانی از کمبودها گفتند و آنچه که باید فراهم آید.

بحث‌انگیزترین موضوع این نشست، تأثیر کنکور سراسری بر جریان آموزش رسمی در مدرسه‌ها و ضرورت تغییر نظام ارزشیابی بود. حجم زیاد مطالب کتاب درسی، مشارکت معلمان و دانش‌آموزان در تولید مواد درسی، تأمین معیشت معلمان، پرداختن به فناوری اطلاعات در دوره‌های آموزش ابتدایی و راهنمایی تحصیلی و توزیع رایگان مجلات رشد در مناطق محروم، از جمله مطالب مورد بحث در این گردهمایی بودند. در این جا، به علت طولانی بودن گفت‌وگوها و به منظور رعایت اختصار، به ذکر فرازهایی از بیانات حاضران در این نشست اکتفا کرده‌ایم:



اسامی مدیرانی که به ایراد سخنرانی پرداختند به این قرار است:

- مهندس مهدی نوید، رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
- علیرضا حاجیان زاده، مدیر کل دفتر انتشارات کمک آموزشی
- علی زرافشان، از سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
- فاروق داوودپور، از سازمان آموزش و پرورش همدان
- سید بهزاد علوی، از سازمان آموزش و پرورش خوزستان
- رحمان جهانی، از سازمان آموزش و پرورش قزوین
- غلامرضا حاجی نژاد، از سازمان آموزش و پرورش بوشهر
- عباس زمانی، از سازمان آموزش و پرورش ایلام

حاجیان زاده: بسیاری از بچه ها اصلاً حوصله‌ی مطالعه کردن ندارند و با مطالعه مأنوس نیستند. ما اگر بتوانیم

کودکان را به هر طریقی با مطالعه مأنوس کنیم، قطعاً در درس های رسمی آنها هم تأثیر می گذارد. یکی از هدف های فوق برنامه ای که ما داریم، نفس مأنوس کردن بچه ها با مطالعه و ترویج فرهنگ مطالعه است. شاید در کتاب های درسی، ظرفیت بالایی برای آن که به همه ی خواسته های خودمان برسیم، وجود نداشته باشد. اصلاً یکی از علت های وجود کتاب کمک درسی این است که ظرفیت کتاب درسی و ظرفیت ساعات آموزشی محدود است و ما در این ظرفیت محدود، فقط تا مقدار معینی می توانیم هدف هایمان را دنبال کنیم. ما باید از ظرفیت های دیگر و از ظرفیت های فوق برنامه هم برای تقویت هرچه بیش تر تقویت دینی و ملی کودکان کمک بگیریم و استفاده کنیم که این هم یکی از هدف های فوق برنامه است. و بالاخره، در ارتباط با رشد استعدادها، ابتکار عمل و خلاقیت دانش آموزان،





سیاست گذاری و تشویق ،
آثار آنان را ارزیابی و
چاپ کند و به کل
کشور بشناساند .
الان خلایی که
ما بیش تر احساس
می کنیم ، در مورد
دانش آموزان
روستایی است .

دانش آموز روستایی خیلی
تشنه ی کتاب است . امکان
دستیابی به اطلاعات اینترنتی ، در شهر
وجود دارد و برای روستایی مقذور
نیست . متأسفانه ، امکانات چاپی جدید
هم در اختیارش قرار نمی گیرد . باید
تدبیری برای دانش آموزان روستایی
بیندیشیم که چگونه تولیدات آموزشی به
دست آن ها برسد .

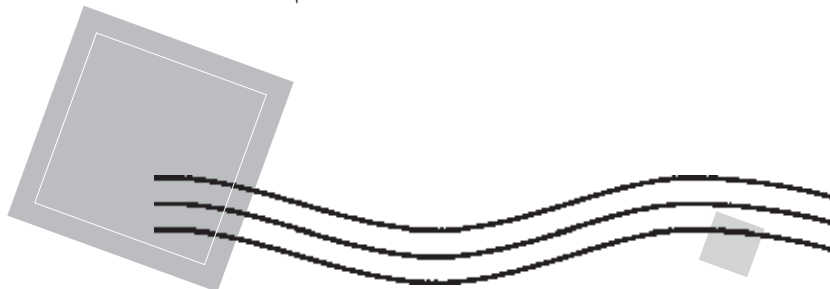
علوی : من چند نکته را در ارتباط با
مواعی که حجم کتاب های درسی برای
دانش آموزانمان ایجاد کرده است ، عرض
می کنم . مهم ترین مانع این است که
مهارت های زندگی در مدرسه اتفاق
نمی افتد ، مدرسه یک جامعه ی کوچک
است ، ولی دانش آموز آنچه را که در
جامعه ی واقعی با آن روبه رو می شود ، به
ندرت در مدرسه مشاهده می کند . نظام
آموزشی ما و حجم کتاب های درسی و

**یکی از علت های
وجود کتاب کمک درسی
این است که ظرفیت کتاب
درسی و ظرفیت ساعات
آموزشی محدود
است .**

علاوه بر کتاب درسی ، ما
باید امکانات متنوع و
متکثری در اختیار
کودکان قرار دهیم تا
این استعدادها
بتوانند از راه های
گوناگون و با
مطالعات مختلف
رشد پیدا کنند و ابتکار
و خلاقیت بچه ها جلوه گر
شود . این ها هدف های ما در
تولیداتمان هستند .

نوید : امروز مدیران و کارشناسان ما
به طور جدی باور دارند که معلم باید در
تولید ، مشارکت داشته باشند ؛ نه فقط
آموزش دهنده ی مطالبی باشد که از پیش
برای او طراحی و برنامه ریزی شده
است . با وجود همه ی فایده ها و نکات
مثبتی که در کتاب های درسی وجود
دارد ، اما این کتاب ها به تنهایی کافی
نیستند . شرط لازم هستند ، اما شرط
کافی نیستند و ما نیاز داریم ،
دانش آموزان کتاب های
درسی ، کمک درسی و کمک
آموزشی را هم بخوانند .

داوودپور : آموزش و پرورش
باید هم بچه ها و هم معلمان
را درگیر تولید کند و با



کمک درسی، مانع اصلی کتاب خوانی دانش آموزان در مدرسه است. دانش آموز دبیرستانی سیزده عنوان کتاب دارد که هر عنوان آن هم حداقل دو کتاب کمک درسی نیاز دارد. سی و نه کتاب را اگر بخواهد در طول سال بخواند، دیگر مجال برای مطالعه ی کتاب کمک درسی یا مجله نخواهد داشت. از چنین دانش آموزی، فقط می توانیم انتظار یک سلسله محفوظات را داشته باشیم، نه تربیت جسمی خودش، و نه کسب مهارت هایی که مورد نیاز هر جوانی است. حجم زیاد کتاب های درسی، به ندرت فرصتی را برای تعامل دانش آموز و معلم باقی می گذارد. بیش از این که محتوای درس مهم باشد، روش تدریس مهم است. چون روش تدریس بار تربیتی دارد و در واقع معرفت را به دانش آموز منتقل می کند. ولی باز هم حجم زیاد کتاب ها باعث می شود که معلم بکوشد،

فقط کتاب را تا پایان سال تمام کند. به علاوه، حجم کتاب های درسی مانع اصلی تحقیق و پژوهش برای دانش آموزان است. الان در دوره ی آموزش متوسطه، دبیر نمی تواند وقتی را به پژوهش یا تحقیق دانش آموزان یا بازدیدهای علمی اختصاص دهد. در یک کلام، دانش آموز باید از حضور در مدرسه لذت ببرد، ولی حجم زیاد کتاب های درسی اضطراب را چنان در دانش آموز شدت می دهد که ما لذتی را در دانش آموز شاهد نیستیم.

جهانی: نظام ارزشیابی در مدرسه ی ما هنوز بر مبنای نمره و محفوظات است. هر کسی بهتر حفظ کند، بهتر نمره می گیرد. نظام ارزشیابی باید عوض شود.

حاجی نژاد: یادم می آید، دانش آموز که بودم معلمان ما می گفتند، کتاب های کمک های آموزشی نخریم. الان هم



معلمان می‌گویند، ولی عملاً تولیدکنندگان کتاب‌های مذکور موفق بوده‌اند. به نظر من، باید کمیته‌ای در وزارتخانه تشکیل شود و این مسأله را تحلیل کند.

زمانی: در بحث تألیف کتاب‌های درسی، در انتخاب افراد آن‌طور که برای کنکور می‌گویند، آقا بهترین دبیر و بهترین استاد را انتخاب کنید که مبدا گزینه‌ای اشکال داشته باشد، حساسیت وجود ندارد.

زرافشان: وجود کتاب‌های آموزشی، یا به تعبیری کتاب‌های کمک آموزشی در فضای تعلیم و تربیت کشور ما ناشی از چیست؟ دو دیدگاه در این زمینه مطرح است: یکی دیدگاهی که وجود کتاب‌های کمک آموزشی را ناشی از نقص و ضعف نظام آموزش و پرورش رسمی می‌داند. به تعبیر یکی از دوستان، این کتاب‌ها می‌کشند،

خلاف‌های کتاب‌های درسی را پر کنند، یا به تعبیر یکی دیگر از دوستان، کاستی‌های موجود در کتاب درسی را پوشش دهند. دیدگاه دیگر این است که اصولاً وجود کتاب‌های آموزشی در

همه‌ی نظام‌های آموزش و پرورش دنیا یک ضرورت است.

در نظام آموزش و پرورش، همان‌طور که کتاب درسی تعریف می‌شود و به عنوان ابزار، وسیله و بخشی از شکل‌دهنده‌ی فرایند یاددهی یادگیری هویت، تعریف، و شخصیت مستقل دارد، کتاب‌های کمک آموزشی هم باید جایگاه ویژه‌ی خودشان را داشته باشند. گاهی اوقات در مطبوعات هم این‌گونه مطرح می‌شود که این همه کتاب کمک آموزشی در بازار نشاندهنده‌ی ضعف، کاستی و نقص کتاب‌های درسی است. در حالی که اگر این‌گونه بود، در نظام‌های آموزش و پرورش که ما آن‌ها را پیشرو و موفق می‌شناسیم، کتاب کمک آموزشی وجود نداشت. در حالی که اتفاقاً هرچه نظام‌های آموزش و پرورش قوی‌تر می‌شوند، مجموعه‌های کمک آموزشی آن‌ها گسترش و تنوع بیش‌تری پیدا می‌کنند. علتش همین مأموریت و رسالتی است که کتاب‌های کمک آموزشی مستقلاً بر عهده دارند.

علاقه‌مندان به مطالعه کامل بیانات این نشست می‌توانند با دفتر فصل‌نامه تماس حاصل نمایند.

